

۳ پرده از شکار مجرمان در پایتخت

دستگیری زندانی فراری مسلح، سارق سریالی سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های دخانیات و سه متهم به سرقت کولرهای گازی درمانگاه، مهم‌ترین کشفیات پلیس تهران در شبانه‌روز گذشته بود.

زندانی فراری با کلت جنگی دستگیر شد

چندی قبل ماموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعید در جریان گزارش‌هایی درباره فعالیت دوباره یک فروشنده موادمخدر در محله قرار گرفتند. بررسی‌های اولیه ماموران، نشان از مسلح بودن این مرد داشت. تیم عملیات کلانتری پس از شناسایی محل نگهداری موادمخدر و اطمینان از حضور متهم، وارد آنجا شده و مرد جوان را دستگیر کردند. در بازرسی از محل، یک کیلو و ۱۶۰ گرم مخدر روانگردان صنعتی، یک قبضه کلت جنگی، دو خشاب و ۳۹ فشنگ کشف شد.

با انتقال متهم به کلانتری و بررسی هویت او، مشخص شد مرد دستگیرشده از مجرمان سابقه‌دار است که پس از گرفتن مرخصی از زندان، فرار کرده و دوباره فعالیت مجرمانه خود را آغاز کرده بود.

متهم پس از تشکیل پرونده برای رسیدگی به جرایمش در اختیار دادسرا قرار گرفت.

دزد سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های دخانیات



در پرونده‌ای دیگر، کارآگاهان پایگاه یازدهم پلیس آگاهی در جریان افزایش سرقت از سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های دخانیات قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان می‌داد سرقت‌ها با شگردی مشابه انجام شده و تاکنون از ۱۲ سوپرمارکت و فروشگاه دخانیات سرقت شده است.

کارآگاهان تیم مبارزه با سرقت مغازه، تحقیقات برای شناسایی سارق را آغاز کردند. بررسی صحنه‌های سرقت و تصاویر دوربین‌های مداربسته نشان داد تمامی سرقت‌ها توسط یک نفر انجام شده است. در ادامه نیز تصویر واضحی از سارق به دست آمد. با بررسی تصویر، هویت متهم شناسایی شد و کارآگاهان دریافتند او از ساquan سابقه‌دار است. ماموران پس از زیر نظر گرفتن پاتوق‌های متهم، موفق شدند او را دستگیر کنند. متهم پس از انتقال به پایگاه پلیس آگاهی به سرقت‌ها اعتراف کرد و مدعی شد اقلام سرقتی را به دو مالخر در محدوده امامزاده یحیی و سرچشمه فروخته است. کارآگاهان با شناسایی دو مالخر، به مغازه و مخفیگاه آنها رفتند و پس از دستگیری‌شان، ۵۰۰ بسته سیگار، مواد غذایی و تنباکوهای سرقتی را کشف و ضبط کردند.

هر سه متهم پس از انجام تحقیقات اولیه با تشکیل پرونده به دادسرا معرفی شدند.

۲ برادر در سرقت کولرهای درمانگاه

در سومین پرونده، ماموران کلانتری ۱۱۵ رازی هنگام گشت رزی در خیابان سهراب، به دو مرد جوان که یک گونی بزرگ را حمل می‌کردند مشکوک شدند.

ماموران برای بررسی محتویات گونی وارد عمل شدند اما دو مرد با دیدن پلیس باه فرار گذاشتند. آنها دقیقاً بعد دستگیر و به کلانتری منتقل شدند. ماموران با بررسی گونی، متوجه شدند سه قطعه مربوط به کولرگازی داخل آن قرار دارد. یکی از متهمان در جریان بازجویی‌ها گفت: «برادرم دزد کولرگازی است و پس از سرقت، این گونی را به ما داد تا آن را به فروش برسانیم». با این اعتراف، ماموران تحقیقات برای دستگیری برادر دبگر را آغاز کردند. پس از شناسایی مخفیگاه او، ماموران متوجه شدند متهم در حال حمل دو پتل کولر سرتقی است. مرد جوان با دیدن ماموران فرار کرد اما چند دقیقه بعد دستگیر شد. متهم پس از انتقال به کلانتری به سرقت دو دستگاه کولرگازی از یک درمانگاه اعتراف کرد. با تکمیل تحقیقات، هر سه متهم به مرجع قضایی معرفی شدند.

۲۷ روز چشم انتظار پیکر بهاره

روز آب دو سه متر بالا آمده بود. پدرم با مشاهده این صحنه به آب زد تا دخترم را بگیرد اما نتوانست. پدرم را با کمک دو نفر دیگر از آب گرفتیم و خارج کردیم. تا جایی که دید داشتیم، بچه را دیدم که روی آب بود اما پس از مدتی زیر آب رفت. امدادگران هم به محل آمدند اما نتوانستند کاری از پیش ببرند.»

دایی بهاره با یک غواص تماس گرفت و از او درخواست کمک کرد. آن‌طور که پدر بهاره توضیح می‌دهد، وقتی غواص درخواست آنها را پذیرفت به او اعلام کرد که در آرای دریافت ۴۰ میلیون تومان جست‌وجو را آغاز می‌کند: «اما من گفتم فقط ۲۰ میلیون تومان پرداخت می‌کنم که این مبلغ هم شامل کپسول اکسیژن، هزینه رفت‌وآمد و خورد و خوراکش بود. او یک روز، زیر آب را جست‌وجو کرد اما در نهایت گفت جریان آب فشار بالایی دارد و برای همین نمی‌توان زیر سنگ‌ها را هم جست‌وجو کرد. این جست‌وجو هم بی‌نتیجه ماند. ببینید، فشار آب زیاد است و از سوی دیگر به دلیل کوچک شدن محدوده فلاورجان،

فقط یک روز آب را ببینند تا من جسم بی‌جان دختر کوچکم را پیدا کنم.» اینها صحبت‌های پدر دختر هفت ساله‌ای است که نزدیک به یک ماه پیش در زاینده‌رود اصفهان غرق شد و با وجود تلاش‌های امدادگران آتش نشانی و هلال احمر و به دلیل جاری بودن حجم زیاد آب، هیچ نشانی از او پیدا نشد. همچنان پیکر این کودک زیر آب است و قطع آب نیاز به مجوز مسئولان استانی دارد.

۲۷ روز است که نجفی، پدر بهاره کوچولو هرروز به محل غرق شدن کودکش می‌رود تا شاید بتواند با کمک مردم منطقه رد و نشانی از او پیدا کند اما تاکنون هیچ خبری نشده است. پدر در گفت‌وگو با جام‌جم از روز حادثه می‌گوید: «آن روز همراه با تعدادی از بستگان، پدرم و دخترم بهاره برای تفریح کنار آب رفتم و پدرم نیز می‌خواست تراکتورش را بشوید. بهاره هم مشغول بازی کردن بود که یکدفعه پای بچه لیز خورد و افتاد. دوباره بلند شد اما باز هم لیز خورد. چند بار این اتفاق رخ داد تا زمانی که جریان گرداب دخترم را با خودش برد. چون آن

جهیزیه قلابی

۱۰ میلیارد تومان آب خورد

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از شناسایی و دستگیری کلاهبردار اینترنتی خبر داد که با سوءاستفاده از نیاز خانواده‌ها برای تهیه جهیزیه و وعده فروش لوازم خانگی با قیمت‌های بسیار پایین، اعتماد قربانیان را جلب و در مجموع حدود ۱۰۰ میلیارد ریال از آنان کلاهبرداری کرده بود.

به گزارش جام‌جم، سردار داوود معظمی گودرزی در تشریح این پرونده، اظهار کرد: یکی از شهروندان با مراجعه به پلیس فتا اعلام کرد که هنگام جست‌وجو در فضای مجازی برای خرید لوازم خانگی مورد نیاز جهیزیه دخترش، در دام یک کلاهبردار اینترنتی گرفتار شده است. شاکي در اظهارات خود عنوان کرد حدود یک ماه پس از دریافت وام ازدواج فرزندش، در یکی از شبکه‌های اجتماعی به دنبال خرید لوازم خانگی بوده که با فردی ناشناس آشنا شده است.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ ادامه داد: این فرد با بر خوردی صمیمانه و صحبت‌های اقناع‌کننده، خود را از کسبه فعال در زمینه فروش لوازم خانگی در یکی از استان‌های مرزی شمال غرب کشور معرفی کرده و مدعی شده بود محصولات اصلی و باکیفیت را با قیمت‌هایی بسیار

پایین‌تر از بازار و حتی در برخی موارد تا نصف قیمت، عرضه می‌کند.

سردار معظمی گودرزی گفت: فرد کلاهبردار پس از معرفی یک صفحه اینستاگرامی به شاکي که ظاهری مشابه صفحات فروشگاه‌های معتبر داشت، مشخصات فنی و فهرست قیمت محصولات گوناگون را برای او ارسال کرد. این شباهت ظاهری موجب جلب اعتماد بیشتر شاکي شد. وی نیز پس از اطمینان به این فرد، مبلغ چهار میلیارد ریال به حساب اعلام‌شده واریز کرد اما بلافاصله پس از انتقال وجه، تلفن همراه متهم خاموش شد و پیام‌ها بی‌پاسخ ماند و ارتباط به‌کلّی قطع شد. شاکي پس از پیگیری‌های بی‌نتیجه، متوجه شد که قربانی یک کلاهبرداری اینترنتی شده است.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ بیان کرد: پس از تشکیل پرونده، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار کارشناسان پلیس فتای پایتخت قرار گرفت و مأموران با انجام تحقیقات تخصصی، بررسی‌های فنی و اقدامات خاص پلیسی، موفق به شناسایی هویت متهم شدند. پس از تکمیل تحقیقات و به دست آمدن اطلاعات هویتی متهم، اقدامات قضایی لازم انجام شد و تیم عملیات پلیس فتای تهران بزرگ این کلاهبردار اینترنتی را در یکی از مناطق جنوبی تهران دستگیر کرد. سردار معظمی گودرزی خاطرنشان کرد: متهم پس از دستگیری و مواجهه با اِدله دیجیتال و مستندات موجود در پرونده، به ارتکاب کلاهبرداری اعتراف کرد. متهم در اعترافات خود عنوان کرده است که با جعل نام فروشگاه‌های مختلف و ایجاد صفحات مجازی مشابه صفحات اصلی، قربانیان را در فضای مجازی شناسایی می‌کرده و پس از برقراری ارتباط و جلب اعتماد آنان، با استفاده از صحبت‌های صمیمانه و وعده‌های وسوسه‌کننده، افراد را به خرید ترغیب می‌کرده است. متهم پس از دریافت وجه از قربانیان، ارتباطش را قطع کرده و با حذف ردپای خود از فضای مجازی، از دسترس آنان خارج می‌شده است.

وی با اشاره به اعتراف صریح متهم گفت: براساس بررسی‌های انجام‌شده، ارزش ریالی کلاهبرداری‌های صورت‌گرفته توسط این فرد حدود صدمیلیارد ریال برآورد شده است و تحقیقات برای شناسایی سایر مالیاتخگان احتمالی ادامه دارد.

سردار معظمی گودرزی با هشدار به شهروندان تأکید کرد: کاربران فضای مجازی نباید صرفاً براساس ظاهر صفحات، تبلیغات، قیمت‌های پایین یا گفت‌وگوهای صمیمانه به هویت افراد و فروشندگان اینترنتی اعتماد کنند. شهروندان پیش از انجام هرگونه معامله در فضای مجازی، نسبت به شناسایی واحراز هویت فروشنده و بررسی سابقه و اعتبار کسب‌وکار مورد نظر اقدام کرده‌و تا زمانی که از اطلاعات شغلی و هویتی طرف مقابل اطمینان حاصل نکرده‌اند، از واریز وجه خودداری کنند.

بنابر اعلام پلیس، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ در پایان خاطرنشان کرد: شهروندان در صورت مشاهده موارد مشکوک یا مواجهه با کلاهبرداری‌های اینترنتی می‌توانند موضوع را از طریق سایت پلیس فتا یا مرکز فوریت‌های سایبری به شماره ۰۹۶۲۸۰ گزارش کنند.



طول رود خانه کوچک شده و ارتفاع آب هم با وجود این‌که میزان آن را کاهش داده‌اند اما همچنان بالا و در حد دو متر است. دو آبشار هم دارد که زیر آنها تونل وجود دارد.»

پدر بهاره ادامه می‌دهد: «بسیاری از اهالی اصفهان در جریان جست‌وجو کمکم کرده‌اند اما بی‌نتیجه بوده است. به

استانداری اصفهان مراجعه کردم اما اجازه ملاقات ندادند و

برای همین به آنجا نامه‌ای نوشتم و درخواست کمک کردم.

حتی به شرکت آب منطقه‌ای میراب هم رفتم اما دست

خالی برگشتم. همه مرا به یک‌دیگر پاسکاری می‌کنند و کسی مسئولیت به عهده نمی‌گیرد. به من گفته‌اند باید یک مقام مسئول بالاتر دستور مسدودسازی آب را صادر کند تا بتوان

محل را جست‌وجو کرد. می‌گویند برای کشت ذرت آب جاری است. آخر ذرت هر ۱۰ روز یک‌بار نیاز به آبیاری دارد نه این‌که هر روز. نمی‌دانم به چه کسی مراجعه‌کنم. من فقط می‌خواهم یک روز جریان آب را مسدود کنند تا مشخصاً با کمک مردم آنجا را برای پیدا کردن پیکر دخترم جست‌وجو کنم.»

انتقام عروس از مادر شوهر

که بی‌بردند طلاهای بدلی به جای آنها گذاشته شده است.
تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که دو روز پیش دوباره شاکي به اداره پلیس آمد و اطلاعات جدیدی را در اختیار آنها قرار داد و گفت:گوشی‌همسرم خراب شده بود و آن را برای تعمیر به مغازه موبایل فروشی یکی از اقوام دادم که وقتی فتم گوشی را بگیرم، او به من حرف‌های عجیب‌وغریبی زد که باورم نمی‌شد. او عکس‌هایی را به من نشان داد که در آن همسرم طلاهای مادر و خواهرم را از گاوصندوق برداشته و به مردی داده بود تا نمونه بدلی آن را برایش بسازد و بعد طلاهای بدلی را با طلاهای واقعی عوض کرده بود. وقتی ماموران گوشی همسر او را بررسی کردند، معلوم شد گفته‌های شاکي صحت دارد؛ بنابراین با هماهنگی قضایی، عروس خانواده بازداشت شد. متهم زن به اداره

افشای ماجرای فروش نوزاد توسط مادرش

نداشت و او هم یک روز از محله‌ما رفت. یک سال است از پسرم خبری ندادم و نتوانستم او را پیدا کنم. با آغاز تحقیقات برای مشخص شدن سرنوشت نوزاد پسر، زن میانسال، رابط مادر کودک و زوج ناباور تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و دیروز بازداشت شد.

وی در تشریح ماجرا گفت: شاکي و خانواده‌اش را می‌شناختم. شوهرش معتاد بود و شرایط مناسبی نداشتند. برایم تعریف کرد که بچه را به دنیا آورده و حالا بعداز چند ماه نمی‌تواند از او نگهداری کند. وقتی از من کمک‌خواست تصمیم گرفتم خانواده‌ای را که صاحب‌فرزند نمی‌شدند با او آشنا کنم تا شاید پسر نوزاد زندگی خوبی در آینده داشته باشد. دو هفته بعداز این ماجرا، صاحب آرایشگاه زنانه‌ای برایم تعریف کرد که خواهرش سال‌هاست ازدواج کرده و صاحب فرزند نمی‌شوند از طریق بهزیستی هم نتوانسته‌اند فرزندی بیایوند. او خواست بچه را به خواهرش بدهیم. او و خواهرش را به مادر کودک معرفی کردم. حرف زدند و توافق کردند. بعدهم نوزاد را تحویل آن زوج ناباور دادند و مادر کودک هر از گاهی برای دیدن فرزندش نزد آنها می‌رفت. شرایط خوب بود تا این‌که بعداز چند ماه سراغم آمد و خبر داد که آن خانواده نقل مکان کرده و من باید به جای آنها به او پول بدهم. چند ماه با این نگهداری این بچه را نداشتیم. در محله سابق‌مان زنی میانسال زندگی می‌کرد و از وضعیت زندگی‌ام خبر داشت. او پیشنهاد داد پسر چهار ماهه‌ام را در اختیارش قرار دهم تا آن را به زوجی ناباور بدهد و آینده فرزندمان تضمین شود. شوهرم نیز گفته‌های او را قبول کرد اما فراشده‌ر از گاهی برای بررسی وضعیت فرزند به خانه‌شان برویم که آن خانواده قبول کردند اما بعداز گذشت چند ماه آنها به یکباره به جای دیگری نقل مکان کردند. زن همسایه هم از آنها خبری



شکایت مادر، راز فروش نوزاد پسرش به زوج ناباور را فاش کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل هفته جاری زنی جوان با حضور در پلیس آگاهی تهران از یک زن دیگر به اتهام تحویل کودکش به زوجی ناباور شکایت کرد و خواستار یافتن فرزندش شد. وی در تشریح ماجرا گفت: من و شوهرم با توجه به مخالفت خانواده‌مان ازدواج کردیم. او معتاد بود و خانواده‌ام نیز از ما حمایت نمی‌کردند. وقتی هم که یاردار شدم، شرایط زندگی‌مان بدتر شده بود. شوهرم مجبورم کرد چنین را سقط کنم. چند چند ماما و پزشک رفتم اما چون چهارماهه باردار بودم کسی این اقدام را انجام نداد تا این‌که پسرم را به دنیا آوردم. اما چهارماهه شده بود و شرایط نگهداری این بچه را نداشتیم. در محله سابق‌مان زنی میانسال زندگی می‌کرد و از وضعیت زندگی‌ام خبر داشت. او پیشنهاد داد پسر چهار ماهه‌ام را در اختیارش قرار دهم تا آن را به زوجی ناباور بدهد و آینده فرزندمان تضمین شود. شوهرم نیز گفته‌های او را قبول کرد اما فراشده‌ر از گاهی برای بررسی وضعیت فرزند به خانه‌شان برویم که آن خانواده قبول کردند اما بعداز گذشت چند ماه آنها به یکباره به جای دیگری نقل مکان کردند. زن همسایه هم از آنها خبری

جعل مرگ بعد از سوء قصد

معاون مبارزه با شارتارت پلیس امنیت عمومی فراجا از دستگیری متهمی خبر داد که مرگ خود را بعد از حمله به یک شهروند، جعل کرده بود.

به گزارش سایت پلیس، سرهنگ راستی دراین باره گفت:

چندی پیش چهار نفر ارادل و اوياش در یکی از پارک‌های

تهران برای یک مرد و نامزدش مزاحمت ایجاد و اقدام به

ضرب‌وشتم یکدیگر می‌کنند. این ارادل در بی خصومت

ایجاد شده، به زور وارد منزل شاکي می‌شوند. باسلحه‌گرم

شکاری از فاصله یک‌متری به قفسه سینه اوشلیک کرده و

متواری شدند. هر چند شاکي زنده ماند اما متهمان با این



تهران، پرونده با نبود صلاحیت رسیدگی به دادسرای ناحیه ۱۵ تهران ارسال شد و متهم زن همچنان در بازداشت به‌سر می‌برد.

معمای شلیک به خواستگار

گره پرونده تیراندازی به مرد خواستگار با قسامه باز می‌شود. برادر دختر جوان، منکر تیراندازی به خواستگار شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ماجرای این پرونده به سال ۱۴۰۱ برمی‌گردد. آن‌زمان دو مرد در یک سوپرمارکت در رابط‌کریم مشغول کار بودند که یک خودروی تیبّا مقابل مغازه آنها توقف کرد. یکی از سرنشینان که در صندلی عقب نشسته بود، اسلحه‌ای بیرون آورد و به سمت دو مرد شلیک کرد.

گلوله‌های ساجمه‌ای به دست‌وپای هر دو نفر اصابت کرد و یکی از آنها آسیب بیشتری دید. پس از این حادثه، هر دو مجروح به

بیمارستان منتقل شدند.

بعد از بهبود نسبی، یکی از شاکیان به پلیس مراجعه کرد و درباره علت احتمالی این حمله توضیح داد. او گفت حدود دو ماه قبل از حادثه برای خواستگاری از دختری اقدام کرده، اما خانواده او با ازدواج‌شان مخالف بودند. به گفته‌او، پس از چند بار گفت‌وگوی تلفنی و حضوری، وقتی به نتیجه نرسیده، از ادامه این موضوع منصرف شده بود.

شاکي در ادامه مدعی شد برادر دختر پس از خواستگاری، او را تهدید می‌کرد. به گفته‌او، حدود یک ماه قبل از تیراندازی نیز این فرد با موتورسیکلت از مقابلش رد شده و به او زده و بعد از آن نیز چند بار تهدیدش کرده بود که او را زنده نمی‌گذارد.

باین‌حال، متهم پس از دستگیری، اتهام تیراندازی به شاکیان را نپذیرفت. او گفت فردی که شاکي معرفی کرده، او نیست و وی را اشتباه گرفته‌اند. پس از بررسی دوربین‌های مداربسته فردی شبیه متهم در تصاویر دیده شد، اما چهره به‌وضوح قابل تشخیص نبود.

متهم در تحقیقات منکر تهدید شاکي و حمله به او شد و گفت پس از ماجرای خواستگاری دیگر او را ندیده و دلیلی برای حمله نداشته است. او همچنین درباره سلاحي که از وی کشف شده بود توضیح داد این سلاح متعلق به گذشته است و در خانه نگهداری می‌شده و ارتباطی با حادثه تیراندازی ندارد. با تکمیل تحقیقات، برای متهم به اتهام مباشرت در ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح گرم، نگهداری یک قبضه سلاح گرم، تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح گرم و اخلا در نظم و آسایش عمومی از طریق بازداشتن شکات از کسب‌وکار کيفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه کيفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه دادگاه نیز متهم بار دیگر همه اتهامات را رد کرد و گفت شاکي او را اشتباه گرفته است و درباره شکایت مطرح‌شده نیز مدعی شد خانواده شاکي به دلیل مخالفت با ازدواج و مسائل مربوط به خواهرش از او کینه به دل گرفته‌اند و به همین دلیل علیه او شکایت کرده‌اند.

در پایان جلسه، قضات، پرونده را لوث تشخیص دادند و قرار شد

شاکي برای جلسه بعد شش نفر را معرفی کند تا در صورت امکان،

مطابق تشریفات قانونی مربوط، سوگند یاد کنند که متهم همان

فردی بوده که در حادثه تیراندازی دست داشته است.